



کارگران هندی در یک کارخانه لباس‌دوزی در ولورهمپتون، انگلستان

## انگلستان

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

# مبارزه علیه تبعیض

نوشته رابرت مایلز

نینجامیده است.

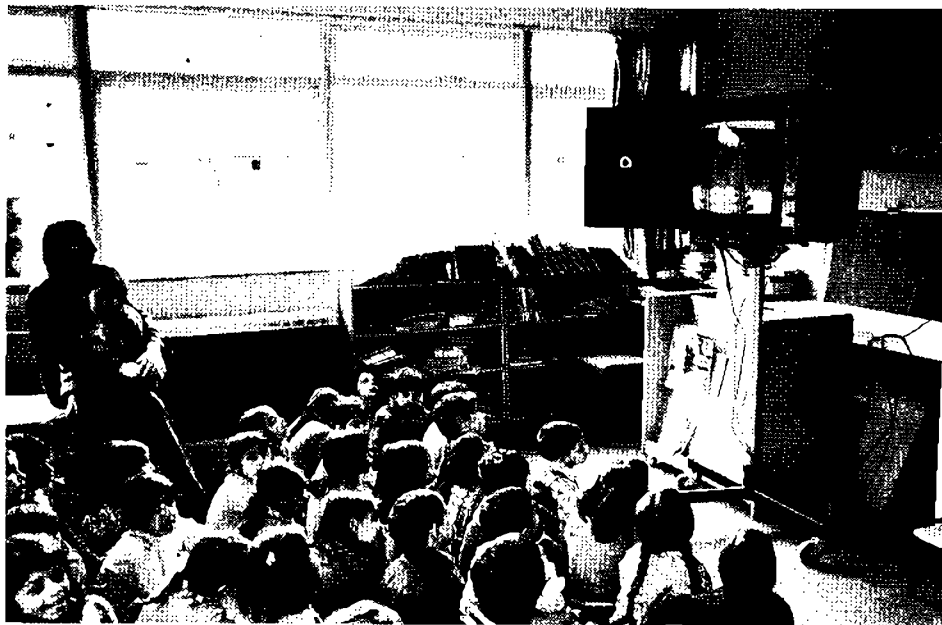
بیشتر مهاجران معالک مشترک المنافع جدید که قبل از ۱۹۶۵ به بریتانیا آمدند برای اشتغال در مشاغل آمدند که کارگران بومی رها کرده بودند. این مشاغل غالباً یدی، و به ویژه کارهایی بود که نیازی به تخصص و مهارت نداشت. ضمناً اغلب این کارها متضمن مزد اندک و شرایط بد و یا کار شیفتی بود. مهاجران در صنایع نساجی، تولید خواربار، اتومبیل‌سازی، تولید فلزات، حمل و نقل و خدمات بهداشت ملی متمرکز شدند.

گرچه اکثر مهاجران در این دوره ابتدایی از سردان

اروپای غربی، به سبب توسعه اقتصاد سرمایه‌داری پس از ۱۹۴۵، نیروی کار بومی کفاف نیازها را نکرد و کار فرمایان ناچار به استخدام کارگران از جاهای دیگر شدند. اکثر کسانی که پس از ۱۹۴۵ از مستعمرات یا مستعمرات قبلی استخدام شدند هنگام ورود به بریتانیا تابعیت این کشور را دارا بودند. در مورد بعضی از گروههای مهاجر به فرانسه و هلند نیز این امر صادق بود. این مهاجران با دارا بودن حق سکونت و کار، و با تمام حقوق سیاسی و مدنی وارد شدند. ولی برابری قانونی به نیل به برابری اقتصادی و اجتماعی یا جمعیت بومی

گروههایی از آسیا و جزایر کارائیب چندین قرن است که در انگلستان سکونت دارند. این بدیده بازنمایی از تاریخ مستعمراتی این کشور است. اینان در بسیاری از شهرها و شهرکها، به ویژه بندرگاهها، دارای جوامعی هستند که قدمت آنها به سه یا چهار نسل می‌رسد. اجدادشان غالباً فروشندهان دوره گرد از شبه قاره هند و یا ناویانی هستند که از مستعمرات، استخدام شده‌اند. این جوامع پایگاه مهاجرتهایی بودند که در دهه ۶۰ - ۱۹۵۰، در پاسخ به نیاز بعضی از بخشهای اقتصاد انگلیس، به این کشور صورت گرفت. در انگلستان نیز، مانند سایر کشورهای





تشکیل می‌شدند، ولی مهاجران جزایر کارائیب شامل زنانی نیز بودند که به بریتانیا آمدند تا مستقلاً به کار اشتغال ورزند. از اواسط دهه ۷۰ - ۱۹۶۰ تقریباً تمام مهاجرانی که از کشورهای مشترک المنافع جدید به بریتانیا وارد شده‌اند همسران و فرزندان کسانی بوده‌اند که در دوره قبلی به این کشور آمده بودند. بسیاری از این افراد هم اکنون، چنان که حق ایشان است، وارد بازار کار شده‌اند.

بدین ترتیب، در ۱۹۸۱ از میان مهاجران جزایر کارائیب، کسانی که به سن کار کردن رسیده بودند، ۸۹/۹ درصد از مردان و ۶۹/۹ درصد از زنان به کار اشتغال داشتند. ارقام مشابه برای اهالی بومی در مورد مردان ۹۰/۶ درصد و در مورد زنان ۶۳/۵ درصد، و برای مهاجران آسیایی مرد و زن به ۸۵/۶ و ۴۱/۴ درصد بالغ می‌شود. نسبت بسیار کمتر زنان آسیایی مشغول به کار، تا حدودی به عوامل فرهنگی بستگی دارد.

موقعیت این مهاجران در بازار کار دهه ۹۰ - ۱۹۸۰ نسبت به دوره اولیه مهاجرت چندان تغییری نکرده است. نتایج مطالعه‌ای که در ۱۹۸۴ منتشر شد حاکی از این بود که در میان مردان بومی ۴۲ درصد به مشاغل حرفه‌ای و غیر یدی و ۵۸ درصد به کارهای یدی مشغول بودند. همین آمار در مورد مردان آسیایی، به ترتیب، ۲۶ و ۷۳ درصد و برای مردان جزایر کارائیب ۱۵ و ۸۳ درصد بود.

در زمینه کار یدی، درصد مردان جزایر کارائیب و آسیا، در قیاس با ۱۶ درصدی که از اهالی بومی به کارهای یدی نیمه تخصصی و غیر تخصصی اشتغال داشتند، بسیار بالا بود.

بنابراین کارگرانی که منشاء ایشان آسیا و جزایر کارائیب است غالباً به کارهای یدی اشتغال دارند و در کارهای یدی نیمه تخصصی و غیر تخصصی درصد بسیار بالایی را تشکیل می‌دهند. مهاجران دهه ۶۰ - ۱۹۵۰ برای اشتغال در این مشاغل استخدام شده بودند. ولی این واقعیت که مهاجران و فرزندان ایشان که به منزله شهروندان بریتانیا به دنیا آمده‌اند هنوز غالباً به همین بخشها محدود شده‌اند مستلزم توضیحی است. مسئله زبان بی‌ارتباط نبوده است، و بعضی از مهاجران فاقد مدارک تحصیلی رسمی بوده‌اند، ولی با این عوامل نمی‌توان موقعیت و تجربه فرزندان مهاجران را به همان سهولت توجیه کرد.

در مورد فرزندان، به ویژه پسران مهاجران هند غربی، مسئله رابطه زبان و موفقیت در نظام آموزشی بریتانیا پیش می‌آید. با این حال، جایی هم که افرادی که از اصل آسیایی و از جزایر کارائیب هستند با زبان انگلیسی به خوبی آشنایند و دارای صلاحیتی معادل دیگران هستند، باز هم در مشاغل پائین استخدام می‌شوند. مطالعات متعددی که از دهه ۷۰ - ۱۹۶۰ به بعد انجام شده نشان داده است که، گرچه تبعیض غیر قانونی است، بسا اینحال در تعیین موقعیت ایشان در بازار کار سهم مؤثری داشته است.

مهاجران هند غربی و آسیایی و فرزندان ایشان (به ویژه جوانان کارائیبی) بیش از همه در معرض بیکاری قرار دارند. در اوایل دهه ۷۰ - ۱۹۶۰ نسبت بیکاری در میان مهاجران کشورهای مشترک المنافع جدید بیش از اهالی بومی بود، ولی طی آن دهه، به استثنای دوره رکود ۶۸ - ۱۹۶۷، کاهش یافت و در اواخر دهه تقریباً برابر شد.

مادری سنگالی در خانه‌اش در لندن سه فرارگرفتن انگلیسی مشغول است.

در این مدرسه واقع در برادفورد، شمال انگلستان، برای آموزش زبان انگلیسی به کودکان پاکستانی از وسایل سمعی و بصری استفاده می‌شود.

اما طی پانزده سال گذشته بیکاری در میان مهاجران و فرزندان ایشان افزایشی سریعتر از سطح بیکاری در میان اهالی بومی داشته است. در میان جمعیت آسیایی و کارائیبی، نسبت بیکاری برای جوانان هند غربی و زنان پاکستانی و بنگلادشی حتی از بقیه مهاجران هم بیشتر بوده است. بررسی مذکور، که در ۱۹۸۴ انجام شد، نشان داد که ۲۵ درصد مردان و ۱۶ درصد زنان کارائیبی، و ۲۰ درصد مردان و زنان آسیایی بیکار بوده‌اند. آمار مشابه در مورد مردان بومی ۱۳ درصد و زنان ۱۰ درصد بوده است. در گروه سنی ۲۴ - ۱۶ ساله ۴۴ درصد مردان و ۳۸ درصد زنان کارائیبی، و ۳۰/۵ درصد مردان و ۳۸/۵ درصد زنان آسیایی بیکار بوده‌اند. آمار مشابه برای مردان بومی ۲۶ و برای زنان بومی ۲۰ درصد بوده است.

یکی از علل چنین سطح بالایی از بیکاری معلول این واقعیت است که تعداد کارگران آسیایی و کارائیبی در میان کسانی که به کارهای یدی نیمه تخصصی یا غیر تخصصی با مزد اندک اشتغال دارند بسیار زیاد است. به علت این که این قبیل مشاغل یدی به نحو فزاینده‌ای جای خود را به شیوه‌های مکانیزه می‌دهند، احتمال بیکاری کسانی که در این زمینه‌ها اشتغال دارند بیشتر است. ولی موضوع تنها به این عامل بستگی ندارد.

آسیائیه‌ها و کارائیبیه‌ها، صرفنظر از شغلشان، بیش از دیگران در معرض بیکاری قرار دارند، و این مطلب در مورد بیکاری به علت اخراج نیز صادق است. این واقعیات دال بر آنند که عامل تبعیض در این امر بسیار مؤثر است.

تبعیض، مهاجران را به مکانهای خاصی، در سلسله مراتب مزد کار، محدود می‌کند، ولی این امر به صورتی انجام می‌شود که گاهی برای خود شخص نیز آشکار نیست. بررسیهای انجام شده نشان داده‌اند که آسیائیه‌ها و کارائیبیه‌ها وسعت تبعیضی را که علیه ایشان اعمال می‌شود کمتر از آن چه که هست می‌انگارند. از این گذشته، مهاجران در معرض اعمال خشونت‌آمیز نیز قرار دارند. نتایج گزارشی که در ۱۹۸۱ توسط وزارت کشور منتشر

شد نشان می‌دهد که سالانه دست کم ۷۰۰۰ مورد حمله به اشخاص انجام می‌شود و احتمال این که افراد آسیایی الاصل مورد این حملات واقع شوند پنجاه برابر بیش از افراد اروپایی است. رقم مشابه در مورد افراد کارائیبی ۳۶ برابر بود. گروه تحقیق چنین نتیجه‌گیری کرد که: «برای ما به وضوح مشخص بود که این اعتقاد به نحوی گسترده در جامعه آسیایی رواج دارد که مبارزه نژادی مستمری مبنی بر حملات ایزدایی نسبت به ایشان در جریان است و معتقدند که وضع در آینده وخیمتر خواهد شد.» این حملات در بعضی از محلات شهری، به ویژه در شهرهای بزرگ، اتفاق می‌افتد.

اکثریت قریب به اتفاق مهاجران مستعمراتی و فرزندان ایشان که در بریتانیا متولد شده‌اند، بخشی از طبقه کارگر را تشکیل می‌دهند. از بسیاری جهات، در کمبودها و مسائل طبقه کارگر شریک‌اند، و درگیر شکل‌های سنتی رفتار و سازمانهای سیاسی طبقه کارگراند. رویهمرفته، احتمال این که کارگران آسیایی و کارائیبی به عضویت اتحادیه‌های کارگری درآیند و به نفع حزب کارگر رأی دهند بیشتر از کارگران بومی است. گرچه اتحادیه‌های کارگری نیز از اعمال آمیخته با تبعیض بری نیستند، با وجود این، کارگران مهاجر در مبارزات اتحادیه‌ها نقش برجسته‌ای ایفا کرده‌اند. آگاهیهای سیاسی این کارگران تا حدود زیادی با آگاهیهای سیاسی بقیه بخشهای طبقه کارگر مشابه دارد.

فعالیت‌های گروه‌های خودیاری، مدارس مخصوص، گروه‌های مشکل شده از والدین که نگران وضع فرزندان خویش در نظام آموزش‌اند، گروه‌های دفاع از خود و بسیاری دیگر از این قبیل، همگی بخشی از واکنش سیاسی پیچیده مهاجران مستعمراتی و فرزندان ایشان را نسبت به مسائل ویژه‌ای تشکیل می‌دهد که در بریتانیا با آن مواجه‌اند. این گروه‌ها به منزله بخش مهمی از مبارزه مستمر برای تیل به برابری نژادی هستند.

رابرت مسایلز، از بریتانیای کبیر، از ۱۹۷۸ مدرس جامعه‌شناسی در دانشگاه گلاسکو بوده است. او مستقلاً یا با شرکت دیگران چندین کتاب منتشر کرده است که کار و نژادگرایی (۱۹۸۰)، نژادگرایی و کارگران مهاجر (۱۹۸۲)، و سرزمین سفیدپوستان: نژادگرایی در امور سیاسی بریتانیا (۱۹۸۴) از آن جمله‌اند.